

ایرانیان مقیم استانبول و جنبش مقاومت تبریز به رهبری ستارخان ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ - ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ / ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۷ - ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶

حجت فلاح توتکار^۱

چکیده

از روزگاران نزدیک به انقلاب مشروطیت، کنشگران سیاسی ایرانی در استانبول با جنبش ضد استبدادی در ایران پیوند داشتند. اما در این میان این پیوند بیش از همه در یاری ایرانیان مقیم استانبول با جنبش مقاومت تبریز برای بازگرداندن نظم مشروطگی و پایان دادن به عصر «خرده خودکامگی» محمدعلی شاه نمودار شد. با آغاز مقاومت مجاهدان به رهبری ستارخان، کوشندگان سیاسی ایرانی در بیرون مرزهای ایران از پراکندگی و بی‌کنشی بیرون آمدند و به تکاپو و جنبش برآمدند. ایرانیان مقیم استانبول و مشروطه خواهان تبعیدی در چهارچوب «انجمن سعادت ایرانیان» به دنبال یاری رساندن به مجاهدان تبریز برآمدند. آنان در عمل به نمایندگی جنبش مقاومت در خارج از کشور بدل شدند. هواداران جنبش مقاومت در استانبول در کنار یاری‌های مالی، اخبار پایداری‌ها و پیروزی‌های مجاهدان را در برابر جبهه متحد استبداد و در تبریز، به کشورهای اروپایی و نیز به عتبات عالیات گزارش می‌دادند. آنان در پیوند با رهبری مذهبی برون مرزی انقلاب در عتبات، به حمایت معنوی رهبران مذهبی از جنبش مقاومت دامن می‌زدند. ستارخان بارها به زبان آورده بود که مقاومتش بر بنیاد فتوای علمای عتبات در حمایت از مشروطیت استوار یافته است. جنبش مقاومت تبریز نیز انجمن سعادت ایرانیان را به عنوان سخنگوی خود در بیرون مرزها پذیرفته بود و برخی خواسته‌ها و ضرورت‌های نیازمند پیگیری در عرصه بیرونی را از آنان انتظار داشت. انقلاب ۱۹۰۸ ترکان جوان نیز زمینه‌ای مناسب برای کنشگری ایرانیان هوادر جنبش مقاومت ایجاد کرده بود. نوشتار حاضر بنا بر روش توصیفی - تحلیلی تدوین یافته است و بر این فرض اساسی استوار است که کوشش‌های ایرانیان مقیم استانبول در بازتاب جهانی جنبش مجاهدان تبریز به رهبری ستارخان و تدارک حمایت‌های مالی - تبلیغی آن جنبش نقشی درخور داشته است. آنان بر بنیاد همین تلاش‌ها بود که حمایت انگلستان و روسیه از استبداد محمدعلی شاه را در افکار عمومی جهان آن روزگار بی‌اعتبار ساختند.

واژگان کلیدی: ایرانیان مقیم استانبول، جنبش مقاومت تبریز، ستارخان، انجمن سعادت، علمای عتبات.

The Persian residents of Istanbul and Tabriz resistance movement under Sattar khan's leadership

Hojjat Fallah Tootkar²

Abstract

From the days that ended in the constitutional Revolution, the Iranian political activists in Istanbul too could relate with the movement against despotism in Iran. The relation, however, was relying on the cooperation of Iranian residents of Istanbul with Tabriz resistance movement for the restoration of the constitutional, and the formation of Mojahedin force resistance under commander Sattar Khan, eventually resulting in the emergence of the Iranian political activists abroad. The Persian residents of Istanbul had to cooperate with Tabriz Mojahedin through the anjomane saadat. The anjomane saadat represented the expatriates who had joined the resistance movement. The anjomane saadat passed news of combats and victories of Mojahedin to European countries, and through Iraq would provide financial aides. They, moreover, encouraged Iranian religious leaders in Iraq to issue fatwas against the Shah, requesting people to support Mojahedin; Sattar khan, for instance, repeatedly acknowledged that his resistance is formed on fatwas to support constitutionalism. Tabriz resistance movement also requested the Anjomane Saadat to supply the movement with necessary items. In reality, the Anjomane Saadat was spokesman of resistance movement abroad. The revolution of 1908 in Ottoman empire paved the way for the Persian supporters of Tabriz resistance. This essay examines the hypotheses that the struggles of the Persian residents of Istanbul played an important role in support mojahedin movement under Sattar khan leadership and the ways in which it banished not only the financial aides of British and Russian government to Mohammad Ali shah but also provided a realistically stark portrayal of such aids to the world.

words: The Persian residents of Istanbul, Tabriz resistance movement, Sattar khan, the Anjomane Saadat, the Iranian religious leader in Najaf.

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین. *تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۰۶ *تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۹

2. Assistant Professor, Department of History, Imam Khomeini International University. Email: h.fallah1347@gmail.com

مقدمه

پس از به‌توپ‌بستن مجلس شورای ملی در ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶، و آغاز عصر خودکامگی، کنشگران سیاسی که بیم مجازاتشان می‌رفت، با سختی‌ها و رنج‌های فراوان، خود را به کشورهای دیگر رساندند. کسانی از آن مشروطه‌گران در افسردگی و اندوه و کسانی نیز در اندیشه‌چاره‌ای و تلاشی و پیکاری تازه بودند. در این میان، آوازه جنبش مقاومت تبریز و دلاوری‌ها و ایستادگی‌های رهبر آن جنبش (ستارخان) به این سیاستگران تبعیدی و آواره، جانی دوباره داد تا گرد هم آیند و در پیوند با جنبش مقاومت تبریز در بازگرداندن نظم مشروطگی بکوشند.

ایرانیان مقیم استانبول در پی تحقق این اندیشه، فعال‌تر از ایرانیان کشورهای دیگر بودند. از واپسین روزگاران دوره ناصرالدین‌شاه قاجار جنبش قانون‌خواهی ایرانیان پیوندهایی با جنبش تنظیمات عثمانی داشت و برخی از نخبگان ایرانی با آن جنبش در ارتباط بودند.^۳ استانبول از همان روزگاران، به کانونی برای کنشگری سیاستگران تحول‌خواه ایرانی بر ضد استبداد قاجاری مبدل شده بود. حضور بازرگانان ایرانی مقیم آن شهر نیز در حد و اندازه‌ای که وابستگی‌های طبقاتی‌شان اجازه می‌داد به این تحول‌خواهی یاری‌رسان بود.^۴

ایرانیان مقیم استانبول و فعال کردن علمای عتبات

بر چنین زمینه‌ای بود که ایرانیان مقیم استانبول از همان آغازین روزهای جنبش مقاومت پیگیر رویدادهای آن و به دنبال یاری‌رساندن و همگامی با آن بودند.^۵ دلاوری و ایستادگی مجاهدان، زمینه تحرک و همپاری گسترده ایرانیان مقیم استانبول را فراهم ساخته بود. آنان بازتاب‌دهنده اخبار جنبش مقاومت به کانون‌های مقاومت ایرانی اروپا در لندن، پاریس و ایوردون سوییس بودند. آنان همچنین واسطه‌ای میان جنبش مقاومت و رهبری مذهبی برون‌مرزی انقلاب مشروطیت مقیم عتبات بودند. جنبش مقاومت تبریز و رهبری آن، ستارخان، نیز از اهمیت بازتاب جهانی آن

۳. رحیم رئیس‌نیا، *ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم*، ج ۱ (تهران: مینا، ۱۳۸۵)، ۹۹ - ۳۵.

۴. یحیی دولت‌آبادی، *حیات یحیی*، ج ۳، چ ششم (تهران: عطار - فردوسی، ۱۳۷۱)، ۲۸؛ اسماعیل امیرخیزی، *قیام آذربایجان و ستارخان* (تهران: نگاه، ۱۳۷۹)، ۱۹۲؛ رئیس‌نیا، *ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم*، ۱۳.

۵. محمد ناظم‌الاسلام کرمانی، *تاریخ بیداری ایرانیان*، بخش دوم، ج ۴، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، چ پنجم (تهران: پیکان، ۱۳۷۷)، ۲۳۵؛ محمدباقر ویجویه، *تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز*، به کوشش علی کاتبی، چ سوم (تهران: کتاب‌های سیمرغ وابسته به انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۵)، ۹۳.

در پیشبرد کارشان آگاهی داشتند.^۶ ایرانیان مقیم استانبول از همان آغاز، به ارسال کمک‌های مالی پرداختند.^۷ اما مهم‌تر از هر اقدامی تلاش آنان در فعال کردن علمای مقیم عتبات برای حمایت معنوی جنبش در همان روزهای آغازین مقاومت بود. آنان در تلگرافی، با عنوان «عموم ایرانیان مقیم استانبول» روحانیان عتبات را مورد خطاب قرار دادند. ایرانیان مقیم استانبول در تلگرافی عتاب‌آلود، از روحانیون مقیم عتبات یاری عملی فوری خواستار شدند.

«مگر در میان سی‌هزار طلاب، هفتاد دو نفر پیدا نشده که در رکاب یکی از حضرات نایب امامان حاضر شده و بگویند، بسم الله وقت تأسی کردن به حضرت حسین علیه السلام است. حقیقت نیابت را نشان بدهید».^۸ آنان همچنین در تلگرافی علمای مقیم عتبات را از تلاش‌های دربار مستبد برای وارونه جلوه‌دادن واقعیت سیاست درون ایران آگاه ساختند.^۹

بر بنیاد این تلاش‌ها بود که مراجع عظام تقلید مقیم عتبات، از طریق فرزند آخوند خراسانی، تلگرافی به استانبول مخابره کردند و از ایرانیان مقیم استانبول خواستند که گزارشی دقیق از «حالت حالیه طهران و تبریز» اعلام دارند. ایرانیان مقیم استانبول نیز به تفصیل در تلگرافی در ۹ رجب ۱۳۲۶ مقاومت مجاهدان به رهبری «ستارخان حامی ملت» را گزارش کردند. آنان آمدن نیروهای نظامی به سرکردگی عبدالمجید میرزا عین‌الدوله و محمودلی‌خان سپهدار تنکابنی برای سرکوب جنبش را یادآور شدند و از علمای عتبات یاری خواستند: «امروز نجات ایران و قوام اسلام منحصر بر آن است که فوراً به نفس نفیس، جهت اصلاح مفاسد عازم ایران باشند».^{۱۰} این اقدام عالمان از دیدگاه ایرانیان مقیم استانبول بازتابی گسترده خواهد داشت و زمینه‌ساز آن خواهد بود که سیاستگران دولت‌های جهان را «از خیال اضمحلال اسلام منصرف خواهند نمود». آنان چنین اقدامی را با اقدام پیروزمند عالمان شیعی «در قضیه تنباکو» قیاس کردند.^{۱۱}

آیات ثلاث مقیم عتبات - میرزا حسین تهرانی، عبدالله مازندرانی و آخوند ملا محمدکاظم

۶ احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، ج ۲، چ شانزدهم (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳)، ۲؛ مهدی ملکزاده، تاریخ انقلاب مشروطیت

ایران، ج ۴، چ چهارم (تهران: علمی، ۱۳۷۳)، ۸۴۷.

۷ ناله ملت (۱۳۲۷ - ۱۳۲۶ ق)، چاپ جدید، عبدالحسین ناهیدی آذر، تاریخچه رزنامه‌های تبریز در صدر مشروطیت به انضمام

مجموعه روزنامه ملت، (تبریز: تلاش، ۱۳۲۶)، ۱؛ روزنامه انجمن تبریز (۱۳۲۷ - ۱۳۲۶ ق)، سال سوم، چاپ جدید (تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری استانداری آذربایجان شرقی، ۱۳۷۶)، نمره ۱۰، ۹ رمضان ۱۳۲۶، ۴

۸ ناله ملت، نمره ۱۴، ۱۵ شعبان ۱۳۲۶، ۱؛ انجمن، سال سوم، نمره ۴، ۱۰ شعبان ۱۳۲۶، ۳.

۹ انجمن، سال سوم، نمره ۵، ۱۵ شعبان ۱۳۲۶، ۳؛ کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۴، ۲۴۰.

۱۰. انجمن، ۳.

۱۱. انجمن، ۳.

خراسانی - به دلیل این پافشاری‌ها بود که دسته‌ای روحانی به رهبری حاجی سید علی تبریزی به سوی ایران اعزام کردند.^{۱۲} این دسته اعزامی تا خاتمین آمد اما در همان جا بماند.^{۱۳} آخوند ملا محمدکاظم خراسانی در خطابه‌ای توضیح داد که عزیمت خود او به سوی ایران سودآور نیست: «خداوند عالم شاهد است که اگر احتمال ضرر بر عالم اسلامیت نداشت و نفعی هم بر حرکت متصور بود حرکت می‌کردیم». او بیان کرد که او و نیز میرزا حسین تهرانی به رغم ضعف و «نفاختی» که داشت و نیز مازندران آماده حرکت بودند؛ «اما به جهات عدیده توقف بر حرکت ترجیح داشت»، اما اعلام کرد که «از هر گونه اقدامات که ممکن گردد دریغ نخواهیم کرد».^{۱۴} کسروی نیز درخواست و اصرار ایرانیان مقیم استانبول را در حرکت آیات ثلاث دور از دوراندیشی و «اندیشه خام» تلقی کرد.^{۱۵} هرچه بود آن پافشاری‌ها برای یاری‌رساندن معنوی جنبش سودآور بود. آیات ثلاث بر بنیاد ضرورت‌ها و استدلال‌های مذهبی خویش به یاری گسترده و پرنفوذ معنوی برآمدند و بر مقاومت مجاهدان تبریز مشروعیت مذهبی بخشیدند. آیات ثلاث در تلگراف مفصلی به احمدخان مشیرالسلطنه، رئیس الوزرای وقت، با یادآوری ویرانگری‌های دولت قاجار از به گاه تأسیس آن، عهدشکنی‌های محمدعلی‌شاه را به یادآوردند و اقدام آن شاه مستبد را در به توپ بستن مجلس شورای ملی به شدت مذمت و محکوم کردند. آنان همچنین نکته‌ای بسیار مهم را بر بنیاد نگرش سیاسی خود به میان آوردند که حکومت «در عهد غیبت حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه با جمهور مسلمین است».^{۱۶}

مراجع تقلید نجف همچنین در یکی از نخستین فتوای‌های خویش در یاری‌رساندن به مقاومت ضد استبداد محمدعلی شاهی اعلام داشتند: «الیوم همت در دفع این سفاک جبار و دفاع از نفوس و اعراض و اموال مسلمین از اهم واجبات و دادن مالیات به گماشتگان او از اعظم محرّمات است؛ و تأکید کردند که «بذل وجهه در استحکام و استقرار مشروطیت به منزله جهاد در رکاب امام زمان» می‌باشد.^{۱۷} تجار تبریزی نیز در تلگرافی به همتایان ایرانی مقیم استانبول، ویرانگری سربازان جبهه

۱۲. انجمن، سال سوم، نمره ۷، ۲۱ شعبان ۱۳۲۶، ۳؛ کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان ج ۴، ۲۱۵.

۱۳. انجمن، نمره ۱۳، ۴؛ ناله ملت، سال اول، نمره ۲۴، ۲۲ رمضان ۱۳۲۶.

۱۴. انجمن، سال سوم، نمره ۱۶، (۴ شوال ۱۳۲۶)، ۲؛ شمس، سال اول، شماره ۱۲ رمضان ۱۳۲۶، ۲.

۱۵. کسروی، تاریخ مشروطه ایران، ۷۳۲.

۱۶. انجمن، سال سوم، نمره ۱۷، ۷ شوال ۱۳۲۶، ۲؛ دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۳، ۳۲ - ۳۰؛ ملکزاده، تاریخ انقلاب مشروطیت

ایران، ج ۵، ۱۰۲۱ - ۱۰۱۹.

۱۷. انجمن، سال سوم، نمره ۳۶، ۳۰ ذیحجه ۱۳۲۶، ۵؛ ناله ملت، سال اول، نمره ۲۸ (دوم ذیقعد ۱۳۲۶)، ۳؛ کرمانی، تاریخ

بیداری ایرانیان، ج ۵، ۳۵۸

استبداد را در بازار تبریز به آگاهی‌شان رساندند و از آنان درخواست یاری کردند.^{۱۸} ایرانیان مقیم استانبول، با انقلاب ترکان جوان و اعلام مشروطیت در آن کشور در جمادی الثانی ۱۳۲۶ / ۲۴ ژوئیه ۱۹۰۸ زمینه مناسبی برای فعالیت پیدا کرده بودند. این تحول سیاسی در استانبول، همچنین زمینه مسافرت تعدادی از کنشگران مشروطه‌گر تبعیدی و آواره را به آن شهر فراهم آورد و این خود زمینه تحرک بیشتر ایرانیان مقیم استانبول شد.^{۱۹} بر بنیاد چنین تحولی در عثمانی بود که ایرانیان مقیم استانبول در تلگرافی به عالمان مقیم عتبات، از آنان فعالیتی گسترده‌تر انتظار داشتند، چرا که رژیم استبدادی عثمانی نیز به مشروطه بدل گشته بود، «حمد خدای را که پادشاه رئوف اسلامیان، سلطان عبدالحمیدخان کبیر، اعلان مشروطیت که مشید احکام شریعت است دادند، امروز با کمال آزادی می‌توان اظهار ما فی الضمیر کرد».^{۲۰} در پی چنین تلاش ایرانیان مقیم استانبول بود که ایرانیان شهرهای دیگر امپراتوری عثمانی چون ازمیر و ترابوزان در تلگراف‌هایی از علمای عتبات، همیاری بیشتر آنان را برای مجاهدان طلاب داشتند.^{۲۱} چنین بود که آیات ثلاث در تلگرافی به عشایر ایران اعلام داشتند که «اهتمام در مشروطیت دولت ایران موجب حفظ اسلام» است، آنان اعلام داشتند که این اهتمام و یاری به مثابه جهاد در رکاب معصومین صلوات الله علیهم خواهد بود و هر گونه یاری استبدادبان و «تعرض مشروطه‌خواهان، محارب» با امامان معصوم خواهد بود.^{۲۲} آخوند خراسانی همچنین در تلگرافی جداگانه از طریق حاجی رضاقلی، تاجر خراسانی مقیم استانبول، به عشایر ایران، آنان را از هر گونه همکاری با محمدعلی‌شاه بر حذر داشت و اعلام کرد که همکاری با «ظالمین» و «کشتن مشروطه‌خواهان» به‌سان «اطاعت از یزید بن معاویه و با مسلمانی منافی است». از این رو از عشایر ایران خواست «یکدل و یک جهت در متابعت علما اعلام که نواب» امام زمان‌اند، گام بردارند و به جای همکاری با محمدعلی‌شاه که در فتوای آخوند خراسان با یزید قیاس شده بود به یاری مشروطه‌خواهان برخیزند.^{۲۳}

۱۸. انجمن، سال سوم، نمره ۶، ۱۷ شعبان ۱۳۲۶، ۱؛ امیرخیزی، قیام آذربایجان و ستارخان، ۱۶۰ - ۱۵۹.

۱۹. دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۳، ۱۹ - ۱۸.

۲۰. انجمن، سال سوم، نمره ۴، ۱۰ شعبان ۱۳۲۶، ۳.

۲۱. انجمن، سال سوم، نمره ۱۷، ۷ شوال ۱۳۲۶، ۳ - ۲.

۲۲. انجمن، سال سوم، نمره ۹، ۵ رمضان ۱۳۲۶، ۱؛ کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان ج ۴، ۲۱۴؛ امیرخیزی، قیام آذربایجان و

ستارخان، ۱۶۵ - ۱۶۴.

۲۳. انجمن، سال سوم، نمره ۱۸، ۱۰ شوال ۱۳۲۶، ۱.

آیات ثلاث مقیم عتبات همچنین در تلگرافی به عموم ایرانیان مقیم استانبول از آنان خواستند که از سوی آنان یعنی «خدام مذهب جعفری که رؤسای روحانی ملت ایران و قاطبه جعفری مذهبیم» شرح تظلم‌خواهی آنان و «ملت مظلوم» ایران را «به‌طوری که باید به دولت علیه عثمانیه و مجلس (سلانیک) و به جمیع دول معظمه و پارلمانهای محترم و اعضای عالم انسانیت برسانند و چگونگی را اعلام نمایند».^{۲۴}

چنان که اشاره شد، انقلاب ترکان جوان و برقراری نظام قانونی در عثمانی، مایه دلگرمی ایرانیان مقیم استانبول و مشروطه‌گران ایرانی مقیم اروپا شد. برخی از کوشندگان مشروطه‌خواه ایرانی چون میرزا ابوالحسن خان معاضدالسلطنه پیرنیا و علی‌اکبرخان دهخدا به گاه اقامت در پاریس با کمیته اتحاد و ترقی ترکان در پیوند بودند. و همچنین این دو مشروطه‌گر رادیکال ایرانی، عضو «انجمن اخوت اسلامی» در پاریس بودند که کمیته اتحاد و ترقی ترکان در بنیادگذاری آن نقش اساسی داشت.^{۲۵}

ایرانیان مبارز با شیوه مبارزاتی ترکان جوان آشنا بودند و آن را نمونه‌ای در خور پیروی و الگوبرداری می‌دانستند.^{۲۶} از این رو با پیروزی ترکان جوان و تشکیل مجلس نمایندگان عثمانی، مسئله مقاومت تبریز با زتاب وسیع‌تری در استانبول یافت.^{۲۷} جدا از نشریه شمس^{۲۸} نشریات ترک‌زبان استانبول نیز به تفصیل اخبار جنبش مقاومت تبریز را با زتاب می‌دادند و همگان را به یاری این جنبش فرامی‌خواندند. در این میان نشریه صباح آن شهر همگامی‌های گسترده می‌کرد.^{۲۹} گویا ترکان جوان لوح قدردانی‌ای نیز به پاس خدمات ستارخان برای او ارسال کرده بودند.^{۳۰} کنشگران ترکان جوان چون احمدرضا بیک، رئیس مجلس، حتی قبل از پیروزی‌شان به مبارزان ایرانی چون معاضدالسلطنه پیرنیا و علی‌اکبر دهخدا قول کمک نظامی و اعزام جنگاورانی برای کمک به جنبش مقاومت تبریز

۲۴. انجمن، سال سوم، نمره ۱۱، ۱۲ رمضان ۱۳۲۶، ۴: ناله ملت، نمره ۳۷، ۳ ذی‌الحجه ۱۳۲۶، ۳.

۲۵. ایرج افشار (به کوشش)، نامه‌های سیاسی دهخدا (تهران: روزبهان، ۱۳۵۸)، ۲۲؛ ایرج افشار (به کوشش) اسنادی از فعالیتهای

آزادیخواهان ایران در اروپا و استانبول (تهران: توس، ۱۳۵۹)، ۲، ۳، ۲۵؛ دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۳، ۱۸.

۲۶. افشار، اسنادی از فعالیتهای آزادیخواهان، ۵۰؛ ایرج افشار (به کوشش)، اوراق تازه‌یاب مشروطیت و نقش تقی‌زاده (تهران،

جاویدان، ۱۳۵۹)، ۵۲۴ - ۵۲۳.

۲۷. دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۳، ۲۷.

۲۸. شمس، سال اول، شماره ۱، ۸ شعبان ۱۳۲۶.

۲۹. شمس، سال اول، شماره ۱۶، ذی‌الحجه ۱۳۲۶، ۹؛ انجمن، سال سوم، نمره ۳۵، ۲۶ ذی‌الحجه ۱۳۲۶، ۴؛ امیرخیزی، قیام

آذربایجان و ستارخان ۲۸۵.

۳۰. انجمن، سال سوم، نمره ۳۵، ۲۵ ذی‌الحجه ۱۳۲۶، ۴.

داده بودند.^{۳۱} معاضدالسلطنه پس از افتتاح مجلس نمایندگان عثمانی، پیام تبریکی به نمایندگی از مشروطه‌گران ایرانی در تبعید به آن مجلس ارسال کرد.^{۳۲} از این رور بر بنیاد این دگرگونی‌هایی که در عثمانی چهره بسته بود، استانبول به کانونی فعال برای مبارزه با استبداد محمدعلی‌شاهی و یاری‌رساندن به جنبش مقاومت تبریز بدل شد. مشروطه‌گران ایرانی تبعیدی که به این شهر آمده بودند به پرشور کردن این فضای مبارزاتی دامن زدند؛ به گونه‌ای که سفیر نه چندان خوش سابقه وقت ایرانی در استانبول - میرزا رضاخان ارفع‌الدوله (دانش) - نیز خود را پیرو فتاوی علمای عتبات قلمداد کرد و در کنار ایرانیان مقیم استانبول به یاری مالی جنبش مقاومت برآمد.^{۳۳}

تشکیل انجمن سعادت استانبول و گسترش یاری‌ها به جنبش مقاومت

بر بنیاد چنین زمینه‌ای بود که ایرانیان مقیم استانبول، انجمن سعادت ایرانیان را تشکیل دادند و یاری‌رساندن به مجاهدان تبریز و نیز دیگر کانون‌های مبارزاتی مشروطه‌گر داخل ایران را ارتقا بخشیدند. دولت‌آبادی اعضای مؤسس انجمن را ۳۰ نفر گزارش می‌کند که ۱۰ نفر تجار و ۲۰ نفر از اصناف بودند.^{۳۴} امیرخیزی نیز با ذکر اینکه «چند نفر از تجار و رؤسای اصناف» انجمن سعادت را تشکیل دادند، برخی از مؤسسان را که به یاد داشته چنین یادآورده است: «میرزا علی برادر مستشارالسلطنه، آقا مرتضی امین برادر مرحوم معتمدالتجار، حاجی رسول صدقیانی، آقای هندی شباهنگ، حاجی حسین شاپی معروف قوی، حاجی حسینقلی قرطالیه‌چی، حاجی حسن پدر دکتر علیخان توفیق».^{۳۵}

انجمن سعادت، خود را واسطه‌ی میان نیازها و رویدادهای جنبش مقاومت تبریز، و تمامی کنشگران مشروطه‌خواه جای جای ایران بدل ساخت. در همان آغاز، مجاهدان تبریز و برخی از ایرانیان روشن‌اندیش مقیم استانبول گویا بر بنیاد الگوبرداری از کمیته اتحاد و ترقی ترکان جوان، جمعیت

۳۱. افشار، اسنادی از فعالیتهای آزادیخواهان، ج ۶، ۴۹، ۵۰؛ افشار، اوراق تازه‌یاب مشروطیت و نقش تقی‌زاده، ۴۲۷؛ انجمن، سال سوم، نمره ۲۳، ۸ ذی‌القعدة ۱۳۲۶، ۲.

۳۲. افشار، اسنادی از فعالیتهای آزادیخواهان، ۷۵، ۷۷، ۱۱۶، ۲۸۵ - ۲۸۴.

۳۳. افشار، اسنادی از فعالیتهای آزادیخواهان، ۴۲۰، ۴۲۸؛ کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان ج ۵، ۳۶۳؛ کسروی، تاریخ مشروطه ایران، ۷۲۶؛ دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۳، ۲۸ - ۲۷؛ شمس، سال اول، شماره ۵، ۵ رمضان ۱۳۲۶، ۱.

۳۴. دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۳، ۳۳.

۳۵. امیرخیزی، قیام آذربایجان و ستارخان، ۱۹۲.

اتحاد و ترقی ایرانیان را تشکیل داده بودند و در کنار انجمن سعادت، تکاپوهایی در راستای کمک به بازگرداندن نظم مشروطگی در ایران انجام می‌دادند. آنان در مکتوبی در ۱۶ شعبان ۱۳۲۶ به عین‌الدوله، او را به خاطر همکاری با استبداد محمدعلی‌شاه سرزنش کردند و از او خواستند که از همکاری با پادشاه خود سر تن زند.^{۳۶} این جمعیت به همکاری با ایرانیان مقیم استانبول در کمک‌رسانی به جنبش مقاومت تبریز فعال بود. همچنین زنان ایرانیان مقیم استانبول «انجمن خیریه نسوان ایرانیان مقیم استانبول» را تشکیل داده بودند و در تلگرافی به مجاهدان و ستارخان امید داشتند که «خداوند غالب و قاهر تیغ بی‌دریغ آن مجاهدین فی سبیل الله را به مفارق عموم خائنین و مخربین وطن مقدس قاطع و بُرا فرماید».^{۳۷} اما در این میان، این انجمن سعادت بود که بسیار فعال و پرتکاپو بود. از این رو ایرانیان مقیم اروپا در پیوند جدی‌تر و فعال‌تری با انجمن سعادت ایرانیان قرار گرفتند. نقش نمایندگی برون‌مرزی این انجمن چنان پرتأثیر بود که تاریخ‌نگار عصر مشروطیت، احمد کسروی، این نکتهٔ درست را یادآور می‌شود که «باید نام انجمن سعادت در تاریخ مشروطه بماند».^{۳۸}

انجمن سعادت در پیوند گسترده با عتبات و دریافت فتاوی جهادشان و ابلاغ آن به انجمن ایالتی تبریز و مجاهدان مقاوم آن و نیز به دیگر نقاط ایران و ایرانیان خارج از کشور، زمینهٔ مشروعیت‌زدایی از پادشاهی محمدعلی‌شاه را فراهم آوردند. کنشگران انجمن سعادت در همه حال به واسطه‌بودن میان انجمن ایالتی تبریز و علمای عتبات تأکید داشتند.^{۳۹} علما در تلگرافی به انجمن سعادت ایرانیان «بستن آذوقه به روی اهل تبریز» را به «آب بستن در کربلا برای اهل بیت رسالت» قیاس گرفتند.^{۴۰} انجمن سعادت همچنین در پیوند با کانون‌های مقاومت در اروپا به‌ویژه کانون فعال ایوردون سوییس فعال‌تر شد.^{۴۱} معاضدالسلطنه پیرنیا به علی‌اکبر دهخدا همه گونه یاری رساند تا این روزنامه‌نگار رادیکال به نشر صور اسرافیل در شهر ایوردون موفق شود و به ستیز قلمی با استبداد محمدعلی‌شاهی برآید.^{۴۲} دهخدا که از جایگاه مهم و اثرگذار انجمن سعادت آگاه بود، در مکتوبی

۳۶. ناله ملت، سال اول، نمره ۱۹، دوم رمضان ۱۳۲۶، ۲ - ۱؛ دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۳، ۶۵

۳۷. شمس، سال اول، شماره ۳، اول ذی‌الحجه ۱۳۲۶، ۸؛ امیرخیزی، قیام آذربایجان و ستارخان، ۲۸۰.

۳۸. کسروی، تاریخ مشروطه ایران، ج ۲، ۷۲۴.

۳۹. دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۳، ۷۱؛ شمس، سال اول، شماره ۲۹، ۳ ربیع‌الاول ۱۳۲۷، ۲.

۴۰. انجمن، سال سوم، نمره ۲۱، ۴.

۴۱. افشار، اسنادی از فعالیتهای آزادیخواهان ۱۹۹، ۳۷ - ۲۸.

۴۲. صور اسرافیل، شماره اول، اول محرم ۱۳۲۷، ۸ - ۱.

به آن انجمن ضمن دعوت کنشگران آن به اتحاد و همدلی تمام‌عیار، آن انجمن را «به منزله سر و عقل تمام کمیته‌های» ایرانی خارج کشور دانست.^{۴۳} انجمن سعادت با بازتاب پیروزی‌های مجاهدان به‌ویژه تسلطشان بر تبریز در ۱۶ رمضان ۱۳۲۶، و در پی آن بر دیگر شهرهای آذربایجان، به قانون‌های مقاومت در اروپا شور و امید بخشید.^{۴۴} گویا پس از این پیروزی‌ها، انجمن سعادت ایرانیان نشانی به پاس دلاوری‌های ستارخان برای او فرستاده بود.^{۴۵}

وظیفه پیام‌رسانی هنگامی اهمیت می‌یابد که بدانیم دستگاه تبلیغی استبداد و استعمارگران متحد استبداد با انتشار اخبار کذبی مبنی بر کشته‌شدن ستارخان و ورود عین‌الدوله به تبریز، به دنبال به‌انفعال‌کشاندن مبارزان تبعیدی ایرانی در اروپا و قفقاز و «ترس ملتیان» بودند.^{۴۶} انجمن سعادت همچنین به توزیع صور اسرافیل دهخدا - معاضدالسلطنه که در ایوردون نشر می‌یافت - در استانبول و ارسال آن به تبریز تلاش می‌کرد. گویا شماره اول صور اسرافیل که در اول محرم ۱۳۲۷ نشر یافته بود، در تبریز نیز تجدید چاپ شده بود.^{۴۷}

انجمن سعادت در همکاری با ایرانیان مهاجر، همچنین به گاه‌آگاهی از تحصن مشروطه‌گران تهرانی در سفارت عثمانی به رایزنی‌های گسترده با مقامات ترک پرداخت؛ تا زمینه‌ای مناسب برای تداوم تحصن فراهم شود.^{۴۸} جایگاه واسطه‌گری انجمن سعادت، به گونه‌ای شناخته‌شده بود که مشروطه‌گران که در هر جایی از ایران به موفقیتی دست می‌یافتند، آن را به انجمن سعادت مخابره می‌کردند.^{۴۹} انجمن سعادت ایرانیان نیز در تلگرافی در ۲۱ ذیقعه ۱۳۲۶، خبر تکاپوهای مشروط‌خواهان خراسانی را که از انجمن ایالتی تبریز دریافت کرده بود، به عتبات ارسال کرد و تلگراف مازندرانی و خراسانی را، که از مشروطه‌گران خراسانی تداوم مبارزه و پایداری و «قلع و قمع مواد ظلم و استبداد» را خواستار بودند، به انجمن ایالتی ارسال کرد.^{۵۰} انجمن سعادت همچنین

۴۳. افشار، اسنادی از فعالیتهای آزادیخواهان، ۸۷؛ دهخدا، نامه‌های سیاسی دهخدا، ۵۰.

۴۴. افشار، اسنادی از فعالیتهای آزادیخواهان، ۲۱۰ - ۲۰۶؛ انجمن، سال سوم، نمره ۱۴، ۴، نمره ۳۰، ۳؛ دولت‌آبادی، حیات یحیی،

ج ۳، ۲۹؛ امیرخیزی، قیام آذربایجان و ستارخان ۲۰۶.

۴۵. امیرخیزی، قیام آذربایجان و ستارخان، ۲۲۲.

۴۶. افشار، اسنادی از فعالیتهای آزادیخواهان، ۳۰۵، ۳۴۱، ۴۲۳.

۴۷. افشار، اسنادی از فعالیتهای آزادیخواهان، ۳۱، ۳۱ و سند دویست و چهل و دوم؛ ملکزاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران ج ۵، ۱۰۲۸.

۴۸. دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۳، ۶۴ - ۶۲.

۴۹. کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۵، ۳۱۰ - ۳۰۹.

۵۰. انجمن، سال سوم، نمره ۲۳، ۱۴ ذی‌الحجه ۱۳۲۶، ۲؛ افشار، اسنادی از فعالیتهای آزادیخواهان، ۴۰۴؛ احمد بشیری (به

کوشش) کتاب آبی، گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلستان درباره انقلاب مشروطه ایران، ج ۲، چ دوم (تهران: نور، ۱۳۶۲)،

۲۵۲؛ امیرخیزی، قیام آذربایجان و ستارخان، ۲۴۱.

پیروزی مشروطه خواهان بختیاری و اصفهانی و نیز چیره شدن مجاهدان گیلانی بر شهر رشت را به آگاهی انجمن ایالتی تبریز رساند.^{۵۱}

انجمن سعادت با انعکاس این پیروزی‌ها به انجمن ایالتی و مجاهدان تبریز، به آنان برای ایستادگی دلگرمی می‌بخشید. انجمن سعادت همچنین به گاه آگاهی از اعزام نیرویی به فرماندهی عبدالحسین میرزا فرمانفرما به عنوان حاکم اصفهان از سوی دربار محمدعلی شاه، در تلگرافی، از نجفقلی خان صمصام السلطنه بختیاری خواست که «فرمانفرما مأمور اصفهان، راهش ندهید، فریب حيله‌هایش را نخورید». آن انجمن همچنین در این تلگراف «سلام مخصوص» مجاهدان تبریز را به آگاهی صمصام السلطنه رساند.^{۵۲} انجمن سعادت که از تلاش دربار برای استقراض آگاهی یافته بود، در آخر ذی الحجه ۱۳۲۶ در تلگرافی از انجمن ایالتی تبریز خواست که به نمایندگی از سوی ملت ایران به این تلاش واکنش نشان دهد و انجمن ایالتی نیز در نامه‌ای به نمایندگان دولت‌های خارجی یادآور شد که در نبود مجلس شورای ملی، استقراض دولت وجهی ندارد و در صورت تحقق آن «ملت ذمه‌دار آن نخواهد بود».^{۵۳} انجمن سعادت همچنین در تلگرافی به اقبال السلطنه ماکویی، او را از همراهی با محمدعلی شاه مستبد بر حذر داشت و از او خواست که به محاصره شهر تبریز نپردازد.^{۵۴} آنان همچنین در تلگرافی در ۵ ربیع الاول ۱۳۲۷ به عین‌الدوله، از او خواستند که رفتار سپهدار تنکابنی را الگو قرار دهد و از ادامه همکاری با استبداد و محاصره تبریز کناره‌گیری کند.^{۵۵} انجمن همچنین به گاه تصمیم روسیه برای اعزام نیروی قزاق به تبریز به بهانه تأمین راه برای ارسال آذوقه و حفظ جان اتباع بیگانه مقیم تبریز، در خصوص کانون‌های مقاومت ایرانی در اروپا به‌ویژه ایوردون سوییس، به کار تبلیغی گسترده برای جلوگیری از این تصمیم شوم روسیان برآمد.^{۵۶} آنان به اشاره معاضد السلطنه پیرنیا در تلگرافی از رجال سیاسی ایرانی مقیم پاریس، چون میرزا محمودخان احتشام السلطنه، اسماعیل خان ممتازالدوله و مهدی‌قلی‌خان مخبر السلطنه هدایت، خواستند به لندن بروند و در راستای متقاعد کردن انگلستان برای همکاری نکردن با روسیان برای

۵۱. انجمن، سال سوم، نمره ۳، ۳۵، ۳۸، ۴۰؛ ناله ملت، سال اول، نمره ۳۶، ۲۵ ذی الحجه ۱۳۲۶، ۳ - ۲، نمره ۳۹، ۲۰ محرم ۱۳۲۷، ۴؛ کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان ج ۵، ۳۶۲؛ ملکزاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۵، ۹۶۲.
 ۵۲. ناله ملت، نمره ۳۸، ۱۴ محرم ۱۳۲۷، ۴.
 ۵۳. امیرخیزی، قیام آذربایجان و ستارخان، ۲۸۴ - ۲۸۳.
 ۵۴. افشار، اسنادی از فعالیتهای آزادیخواهان، ۳۶۸ - ۳۶۷.
 ۵۵. سروش، نمره ۶، ۱۶ شعبان ۱۳۲۷، ۶.
 ۵۶. افشار، اسنادی از فعالیتهای آزادیخواهان، ۴۶ - ۴۰، ۵۴ - ۵۳، ۳۶۲.

اعزام نیرو به تبریز، از جایگاه سیاسی پیشین خود استفاده کنند.^{۵۷} آن رجال محافظه کار مقیم پاریس، تلاشی در این زمینه نکردند. این هم گفته آید که مشروطه خواهان رادیکال، از همان آغاز فعالیت در اروپا، به این رجال محافظه کار اعتقاد و امیدی نداشتند.^{۵۸} معاضدالسلطنه پیرنیا خود به لندن رفت و از نزدیک دریافت که دولت انگلیس به رغم ادعای آزادیخواهی به شیوه‌ای گسترده، در پیوند با سیاست روس برای تداوم خودکامگی در ایران تلاش می‌کند.^{۵۹} در پیوند با تلاش‌های معاضدالسلطنه، ادوارد براون از اعضای کمیته ایرانی مدافع انقلاب مشروطیت ایران، در مکتوبی یادآور شد که ضروری است انجمن سعادت ایرانیان، از دولت عثمانی بخواهد تا به انگلستان فشار آورد تا مانع ورود نیروهای روس به تبریز شود.^{۶۰}

از این رو، انجمن سعادت تلاشی گسترده برای مانع شدن از ورود نیروهای روس انجام داد. اما در همین ایام بر بنیاد برخی گزارش‌ها، در میان کنشگران انجمن سعادت اختلاف نظرهایی وجود داشت. وابستگان به دربار استبدادی محمدعلی شاه نیز به این اختلاف‌ها دامن می‌زدند و به دنبال ناکارآمدی این انجمن بودند، اما حضور مشروطه‌گران تبعیدی چون میرزا آقا فرشی، میرزا یحیی دولت‌آبادی و سید صادق طباطبایی و برخی کسان دیگر و تلاش‌هایی که معاضدالسلطنه و دهخدا در مکتوباتشان انجام می‌دادند، باعث آمد که انجمن سعادت به وحدت و انسجام بیشتری نائل آید. دولت‌آبادی مدعی است که کمیته‌ای از مشروطه‌گران خیرخواه برای تجدید حیات انجمن و اجرای فعالیت گسترده آن تشکیل یافت و انجمن سعادت بار دیگر توانست جایگاه خود را به‌عنوان سخنگوی برون مرزی جنبش مقاومت باز یابد.^{۶۱} بر بنیاد این انسجام، ارتباط انجمن سعادت با جنبش مقاومت تبریز و کمک‌رسانی به آن بیشتر شد.^{۶۲}

تکاپوها و کوشندگی‌های گسترده میرزا ابوالحسن خان پیرنیا در اروپا باعث آمد که یارانش چون دهخدا و ایرانیان مقیم استانبول از او بخواهند تا به استانبول رود و در فضای مناسب آن شهر

۵۷. افشار، اسنادی از فعالیتهای آزادیخواهان، ۲۳ - ۲۰، ۶۲ ۶۳، ۹۰، ۱۳۹، ۲۶۸، ۳۶۳؛ افشار، نامه‌های سیاسی دهخدا، ۵۴ - ۵۳؛ دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۳، ۷۴.

۵۸. افشار، اسنادی از فعالیتهای آزادیخواهان، ۲۰، ۲۳، ۴۰، ۴۵، ۵۶، ۷۵ - ۷۴.

۵۹. افشار، اسنادی از فعالیتهای آزادیخواهان، ۴۹ - ۴۷، ۶۲ ۶۳، ۱۰۹ - ۱۰۸.

۶۰. افشار، اسنادی از فعالیتهای آزادیخواهان، ۴۰، ۲۰۰.

۶۱. شمس، سال اول، شماره ۱۱، ۲۴ شوال ۱۳۲۶، ۶ - ۵ و برخی شماره‌های دیگر؛ افشار، اسنادی از فعالیتهای آزادیخواهان، ۸۷ -

۸۴، ۹۱، ۱۴۱، ۲۲۱، ۲۵۸؛ افشار، اوراق تازه‌یاب مشروطیت و نقش تقی‌زاده، ۴۰۹ - ۴۰۵؛ دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۳، ۱۰۰ - ۹۹، ۳۷ - ۳۳.

۶۲. افشار، اسنادی از فعالیتهای آزادیخواهان، ۲۶۱ - ۲۶۰، ۲۶۴.

تلاش‌های انقلابی‌اش را پی گیرد.^{۶۳} چنان که اشاره کردیم، برخی از کنشگران وابسته به ترکان جوان از نزدیک او را می‌شناختند و در این ایام نیز تحول‌خواهان ترک با خنثی کردن کودتای سلطان عبدالحمید دوم، او را از حکومت خلع و تبعیدش کرده بودند.^{۶۴}

از این رو، معاضدالسلطنه در جمادی الاولی ۱۳۲۷ وارد استانبول شد و بی‌درنگ به دلیل کوشندگی‌های بی‌وقفه‌اش در اروپا به ریاست انجمن سعادت ایرانیان انتخاب شد.^{۶۵} درباره ریاست انجمن سعادت قبل از معاضدالسلطنه آگاهی‌های دقیقی وجود ندارد. این دیدگاه طرح شده است که در روزهای آغازین فعالیت انجمن، میرزا محسن معتمدالتجار، ریاست انجمن را عهده‌دار بوده است.^{۶۶} معتمدالتجار از بنیان‌گذاران انجمن سعادت بود؛ اما درباره ریاستش اطلاعات دقیق وجود ندارد. همچنین شیخ اسدالله ممقانی مدعی است که او مدتی رئیس انجمن سعادت ایرانیان بوده است. او در خاطرات خود که در کتاب مهدی ملکزاده آمده است، اشاره‌ای هم به ریاست معاضدالسلطنه نکرده است.^{۶۷} امیرخیزی اشاره دارد که ممقانی که به نمایندگی از سوی آخوند خراسانی در ۲۶ شوال ۱۳۲۶ وارد استانبول شد، به ریاست انجمن سعادت دست یافت.^{۶۸} سلام‌اله جاوید نیز اشاره دارد که او از سوی «حجج اسلام» نجف، وارد استانبول شد و پس از معتمدالتجار به ریاست انجمن سعادت رسید.^{۶۹} اما دولت‌آبادی که در آن روزگار در استانبول بود از آمدن ممقانی از نجف به استانبول سخن می‌گوید؛ البته اشاره‌ای به ریاست او به انجمن نکرده است.^{۷۰} روزنامه شمس استانبول نیز در اواخر ذی‌القعدة ۱۳۲۶ تلگرافی از آخوند خراسانی نشر داد که در آن خراسانی از ایرانیان مقیم خواسته بود که ضمن احترام به ممقانی از دیدگاه و مشاوره او در امور بهره‌گیرند؛ اما این روزنامه اشاره‌ای به ریاست ممقانی بر انجمن سعادت ندارد.^{۷۱} هر چه بود با آمدن معاضدالسلطنه، انجمن سعادت پرتکاپو شد. دهخدا یار و همفکر نزدیک او نیز به استانبول رفت و به انتشار نشریه سروش پرداخت. دهخدا

۶۳ افشار، اسنادی از فعالیتهای آزادیخواهان، ۱۱۲ - ۱۱۱، ۳۵۱.

۶۴ شمس، سال اول، شماره ۳۳، ربیع‌الآخر ۱۳۲۷، ۶ - ۲؛ انجمن، سال سوم، نمره ۴۶، ۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۷، ۴؛ افشار، اسنادی از فعالیتهای آزادیخواهان، ۶۳، ۶۹، ۷۰، ۲۱۷؛ کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان ج ۵، ۳۸۹؛ و. لوتسکی، تاریخ عرب در قرون جدید، ترجمه پرویز بابایی، چ سوم (تهران: چاپار، ۱۳۵۶)، ۵۰۴.

۶۵ افشار، اسنادی از فعالیتهای آزادیخواهان، ۸، ۳۸۰، ۳۸۵ - ۳۸۴؛ شمس، سال اول، شماره ۴۵، ۲۷ جمادی‌الآخر ۱۳۲۷، ۷.

۶۶ سلام‌الله جاوید، نهضت مشروطیت ایران و نقش آزادیخواهان جهان، چ دوم (تهران: دنیا، ۱۳۵۹)، ۵۱.

۶۷ ملکزاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران ج ۵، ۱۰۱۷ - ۱۰۱۵.

۶۸ امیرخیزی، قیام آذربایجان و ستارخان، ۱۹۴.

۶۹ جاوید، نهضت مشروطیت ایران و نقش آزادیخواهان جهان، ۵۱.

۷۰ دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۳، ۶۹.

۷۱ شمس، سال اول، شماره ۱۵، ۲۳ ذی‌القعدة ۱۳۲۶، ۶ - ۵.

در نخستین شمارهٔ سروش با قدردانی از فضای مناسب استانبول برای تکاپوهای آزادی‌خواهان ایران، سروش را ترجمان افکار احرار ایران^{۷۲} خواند. در انتشار سروش برخی مشروطه‌گران ایرانی چون دولت‌آبادی همکاری می‌کردند.^{۷۳}

با ریاست معاضدالسلطنه پیرنیا، انجمن سعادت به تحرک بیشتری کشیده شد.^{۷۴} این تحرک گسترده به گونه‌ای بود که کمیتهٔ سوسیال دموکرات قفقاز به دنبال روابط نزدیک‌تر با انجمن سعادت برآمد. انجمن سعادت گاه به گاه از طریق مبارزان قفقازی به ارسال کمک مالی و نیروی کمکی به تبریز و گیلان اقدام می‌کرد.^{۷۵}

انجمن سعادت به رهبری معاضدالسلطنه از انقلابیان گیلانی و بختیاری می‌خواست که به سوی تهران حرکت کنند تا با پراکنده‌شدن نیروی نظامی سرکوبگر از اطراف تبریز، زمینهٔ نجات این شهر فراهم شود.^{۷۶} مجاهدان گیلانی و بختیاری و اصفهانی نیز در مسیر پیش‌روی به سوی تهران، با انجمن سعادت ارتباط داشتند. انجمن در تلگراف‌هایی به سپهدار تنکابنی، فرمانده مجاهدان گیلانی، و سردار اسعد - فرمانده نیروهای بختیاری و اصفهانی - به جد یادآور شد که گوش به سخن سفیران روس و انگلیس نسپرنند و بی‌توجه به وعده‌های محمدعلی‌شاه مستبد، بی‌درنگ به سوی تهران حرکت کنند.^{۷۷} تجربهٔ انقلاب ترکان جوان و خلع سلطان عبدالحمید دوم و نیز عهدشکنی‌های مداوم محمدعلی‌شاه، به مشروطه‌گران باورانده بود که فتح تهران و خلع پادشاه خودکامه تنها راه بازگرداندن نظم سیاسی جدید است.

نتیجه‌گیری

ایرانیان مقیم استانبول از آغاز شکل‌گیری جنبش مقاومت تبریز، بر ضد استبداد صغیر به همدلی و همراهی با آن پرداختند. آنان به تدریج به نمایندهٔ برون‌مرزی آن جنبش بدل شدند. ایرانیان مقیم

۷۲. سروش، سال اول، شماره ۱، ۱۲ جمادی‌الآخر ۱۳۲۷، ۱.

۷۳. سروش، سال اول، شماره ۱ و شماره ۴، ۳ رجب ۱۳۲۷، ۳-۲ و دیگر شماره‌ها؛ دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۳، ۱۰۲-۱۰۱.

۷۴. دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۳، ۱۰۱؛ ملکزاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۵، ۱۱۴۱

۷۵. افشار، اسنادی از فعالیتهای آزادیخواهان، ۳۸۵-۳۸۴.

۷۶. افشار، اسنادی از فعالیتهای آزادیخواهان، ۶۰، ۸۲، ۱۰۶، ۱۰۷، ۲۱۲-۲۱۱؛ افشار، اوراق تازه‌یاب مشروطیت و نقش تقی‌زاده،

۳۱-۳۰.

۷۷. ناله ملت، سال اول، نمره ۴۱، ۳ صفر ۱۳۲۷، ۴؛ بشیری، کتاب نارنجی: گزارشهای سیاسی وزارت امور خارجه روسیه تزاری

درباره انقلاب مشروطه ایران، ج ۲، ۲۲۸؛ دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۳، ۱۰۶-۱۰۵؛ ملکزاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج

۵، ۱۱۴۱، ۱۱۶۵.

استانبول با تشکیل انجمن سعادت ایرانیان به همراهی خود با جنبش مقاومت انتظام بخشیدند؛ به گونه‌ای که به تعبیر دهخدا آن انجمن به «سر و عقل» کانون‌های مقاومت در خارج از کشور بدل شد. ایرانیان مقیم استانبول انجمن سعادت با فعال کردن مراجع تقلید مقیم عتبات، نقش واسطه اثرگذاری در تداوم جنبش مقاومت تبریز داشتند. آنان با مخابره فاوی عالمان مقیم عتبات به مشروعیت‌زدایی از استبداد محمدعلی شاهی پرداختند. ستارخان همواره به زبان می‌آورد که او به فتوای مراجع تقلید شیعه عمل می‌کند. انجمن سعادت همچنین به کانونی برای جذب و همکاری مشروطه‌گران تبعیدی تبدیل شد. آن انجمن با مخابره پیروزی‌های مشروطه‌خواهان جای جای ایران به انجمن ایالتی تبریز و مجاهدان، آنان را در ایستادگی‌شان امیدوار می‌ساخت.

انجمن سعادت همچنین در پیوند با کانون‌های مقاومت در اروپا به‌ویژه کانون مقاومت در ایوردون سوییس، به دنبال آن بود که صدای مظلومیت ملت ایران و به‌ویژه مبارزه برحق مجاهدان تبریز را به محافل اروپایی بازتاب دهد و مانع تداوم همکاری دولت‌های اروپایی با دولت استبدادی محمدعلی شاه شود. با ریاست معاضدالسلطنه پیرنیا بر انجمن سعادت که با کنشگران سیاسی ترکان جوان در پیوند بود، انجمن سعادت موقعیتی پرنفوذتر یافت. با چنین کارنامه‌ای بود که نام انجمن سعادت در تاریخ مشروطیت ایران ماندگار شد.

کتابنامه

- افشار، ایرج (به کوشش). اسنادی از فعالیتهای آزادیخواهان ایران در اروپا و استانبول. با پیشگفتار حسین پیرنیا، تهران: توس، ۱۳۵۹.
- امیرخیزی، اسماعیل. قیام آذربایجان و ستارخان. تهران: نگاه، ۱۳۷۹.
- بشیری، احمد (به کوشش). کتاب آبی: گزارشهای محرمانه وزارت امور خارجه انگلستان درباره انقلاب مشروطه ایران. چ دوم. تهران: نور، ۱۳۶۲.
- بشیری، احمد (به کوشش). کتاب نارنجی: گزارشهای سیاسی وزارت امور خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران، ج ۱. ترجمه حسین قاسمیان، چ دوم. تهران: نور، ۱۳۶۷.
- جاوید، سلام‌الله. نهضت مشروطیت ایران و نقش آزادیخواهان جهان. چ دوم. تهران: دنیا، ۱۳۵۹.
- دولت‌آبادی، یحیی. حیات یحیی، ج ۳. چ ششم. تهران: عطار - فردوسی، ۱۳۷۱.
- دهخدا، علی‌اکبر. نامه‌های سیاسی دهخدا. به کوشش ایرج افشار. تهران: روزبهان، ۱۳۵۸.
- روزنامه انجمن تبریز (۱۳۲۷ - ۱۳۲۶ ق)، س سوم، چاپ جدید (۱۳۷۶)، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری استانداری آذربایجان شرقی.
- رئیس‌نیا، رحیم. ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم. تهران: مینا، ۱۳۸۵.

سروش (۱۳۲۷ق).

شمس (۱۳۲۷ - ۱۳۲۶ق).

صور اسرافیل، چاپ جدید (۱۳۶۱). تهران: رودکی، ۱۳۲۷.

کرمانی، محمد ناظم الاسلام. تاریخ بیداری ایرانیان، بخش دوم، ج ۴ و ۵. به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی. چ پنجم. تهران: پیکان، ۱۳۷۷.

کسروی، احمد. تاریخ مشروطه ایران، ج ۲. چ شانزدهم. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.

لوتسکی، و. تاریخ عرب در قرون جدید. ترجمه پرویز بابایی. چ سوم. تهران: چاپار، ۱۳۵۶.

مشکوری، ابوالفضل. «گزیده‌هایی از جراید فارسی اسلامبول»، ویژه‌نامه یاد، نشریه بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی. س ۲۲، ش ۸۵، ۱۳۸۶.

ملکزاده، مهدی. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۴ و ۵. چ چهارم. تهران: علمی، ۱۳۷۳.

ناهیدی آذر، عبدالحسین. ناله ملت (۱۳۲۷ - ۱۳۲۶ق)، سال اول، چاپ جدید. تاریخچه رزنامه‌های تبریز در صدر مشروطیت به انضمام مجموعه روزنامه ملت. تبریز: تلاش.

ویجویه، محمداقرا. تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز. به کوشش علی کاتبی. چ سوم. تهران: کتابهای

سیمرخ وابسته به انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۵.

Archive of SID